اتهام: نامه سرگشاده به رهبری!

حمید تکاپو

شبکه جنبش راه سبز(جرس): "جناب آقای خامنه ای، "گمان نمی‌کنم در دیدگاه شما بقای عزتمندانه، بدتر از سناریوی جایگزین، یعنی حذف نظام و سرنوشتی مشابه میلوشوویچ ،ملاعمر و صدام حسین برای رهبری باشد."۱، "تبعات این حضور همه جانبه شما و روحانیان بر مقدرات محوری کشور، این شدکه از هر سخن مخالف بهراسیم و از هر نوشته و اشارهٔ مخالف بلرزیم"۲، دو عبارت از نامه های سرگشادهٔ احمد قابل پژوهشگر و منتقد زندانی و همچنین محمد نوری زاد، نویسنده و فیلمساز سابقا اصولگرا و امروزه محبوس در زندان است که خطاب به آیت الله علی خامنه ای نگاشته بودند .

امروز نه تنها احمد قابل در حبس است، بلکه محمد نوری زاد، احمد زیدآبادی، محمد ملکی و حشمت الله طبرزدی نیز که طی این سالها نامه هایی انتقادی ـ و سرگشاده- به رهبر جمهوری اسلامی نگاشته بودند، ماههاست در مَحبَس و سلول انفرادی به سر می برند؛ همچنانکه پیش از این و طی سالهایی که ایشان بر تخت ولایت تکیه زده اند، سعیدی سیرجانی۳، قاسم شعله سعدی۴، محسن سازگارا۵، نورالدین کیانوری۶، آیت الله طاهری۷، ابراهیم نبوی۸، امیرفرشاد ابراهیمی۹ و کسانی دیگر نیز، در انتقاد از وضعیت موجود و مسئولیتی که متوجه رهبر می دانستند، واقعیاتی را در قالب نامه های سرگشاده انتشار دادند، که البته یکی در زندان جان باخت و دیگری خانه نشین شد یا ا بعضا جلای وطن کردند و در تبعیدی ناخواسته ماندگار شدند.

در چند صباح اخیر و هنگامهٔ انتخابات ریاست جمهوری یا پس از آن نیز، گروهی از چهره ها و اساتیدی چون دکتر عبدالکریم سروش۱۰، اکبر اعلمی۱۱، دکتر پیام فاضل۱۲، مهندس عبدالعلی بازرگان۱۳، همچنین تعداد زیادی از استادان دانشگاه و محققین و نویسنده های سرشناس، رهبری را نسبت به وقایع و فجایع زنهار داده و نامه هایی سرگشاده خطاب به وی نوشتند.۱۴

اینکه آیت الله علی خامنه ای در مقام ولیّ مطلقهٔ فقیه، نامه های سرگشاده را چگونه ارزیابی یا حتی مطالعه نموده، یااینکه چه میزان این نامه ها اثربخش بوده، شاید در نوشتاری دیگر مورد سنجش قرار گیرد؛ اما آنچه در این مقال خواهد آمد، بخشی از نامه های سرگشاده و دلیرانهٔ کسانی ست که امروز به اتهام گفتن حق و هویدا نمودن مظالم، در زندان به سر می برند ...

طرح دو پرسش از رهبر

دکتر احمد زیدآبادی محقق، روزنامه‌نگار و دبیرکل سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت) که از نیمه شب ۳۱ خرداد ماه و یک هفته پس از کودتا دستگیر و به بازداشتگاه اوین منتقل شده، برای سومین بار است که به خاطر نوشته ها و حقگوئیش، در جمهوری اسلامی به محبس می رود. دادگاه انقلاب زیدآبادی را به ۶ سال زندان، ۵ سال تبعید و محرومیت مادام العمر از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی محکوم کرده است. این فعال سیاسی در ۲۲ فروردین امسال نامه ای سرگشاده به رهبری نوشت۱۵ و ضمن اینکه از انتقادناپذیری وی انتقاد کرده بود، با طرح دو پرسش، ایشان را نسبت به وقایع کشور به چالش کشید. خانم مهدیه محمدی همسر احمد زیدآبادی معتقد است "مهمترین اتهام او نگارش نامه سرگشاده خطاب به مقام رهبری بوده که در سایتها منتشر شده است." احمد زیدآبادی در مقدمهٔ نامه خود به آیت الله خامنه ای با ذکر این نکته که "آنچه می‌خواهم مطرح کنم در شمار مسائل شخصی نیست که نیازمند ارسال نامه خصوصی باشد، بلکه قصد دارم برخی از مشکلات رویاروی جامعه را طرح کنم و نظر رهبری را هم در این باره جویا شوم"، خطاب به خامنه ای پرسید "به چه علت شرعی، عقلی، قانونی و یا عرفی و بر اساس کدام مصلحت عمومی، پرسش علنی از رهبری و یا نقد گفته و عملکرد وی، عملا در جامعه ایران ممنوع است؟" وی در این مورد به سیره عملی بزرگان دین اشاره کرد که "کلام را با کلام پاسخ داده‌اند و نه با تشکیل پرونده و ارجاع به مجازات." زیدآبادی تصریح کرده بود "مصونیت رهبری از طرح پرسش و انتقاد در جامعه ما، نه فقط سابقه‌ای در شرع ندارد، بلکه بدعتی بیسابقه در تفکر اسلامی به شمار می‌رود ." این محقق در پرسشی دیگر پیرامون مسئله هسته ای و اولویتهای اصلی کشور پرسید "چرا ایشان اصرار دارند که همه ایرانیان ارزیابی ایشان را از شرایط داشته باشند و اگر جز این باشد به تعبیر وی حرف دشمن را تکرار می‌کنند و یا به گفته برخی از مقام‌های امنیتی، از عوامل دشمن هستند."

زیدآبادی چندی پیش از سوی انجمن جهانی روزنامه‌ها و ناشران خبر جهان، جایزه قلم زرین آزادی سال را دریافت کرد و همزمان دادگاه تجدیدنظر، احکام حبس و تبعید و محرومیت این نویسندهٔ دلیر را مورد تایید قرار داد...

من متهم می کنم رهبری جمهوری اسلامی را

چندین ساعت بعد از درگذشت آیت الله العظمی حسینعلی منتظری پدر معنوی جنبش سبز، در حالیکه گروههای مختلف مردم و علاقمندان ایشان، سوگوارانه راهی قم شده تا در ماتم استاد شرکت کنند، ماموران کودتا خودروهای راهی قم را متوقف کرده و چندین تن از مسافران را دستگیر و به بازداشتگاه منتقل می کنند. اولین فردی که در این رابطه بازداشت شد، احمد قابل فعال صریح الهجه، پژوهشگر شاخص دینی و از شاگردان معظم له بود که هنگام عزیمت با خانواده و دوستانش از مشهد به قم دستگیر شد. قابل بارها بدلیل انتقادات صریح و عالمانه اش زندانی شده بود. (از جمله در سال ۱۳۸۰ پس از تحمل ۱۲۵ روز زندان انفرادی در اوین)
از نکات قابل ذکر در فعالیتهای وی، نامه های سرگشاده ای بود که طی چهار سال اخیر به علی خامنه ای نگاشت. قابل در نامهٔ سرگشاده۱۶ خود در بهار سال ۱۳۸۴ به خامنه ای، از "استبداد دینی و سوء تدبیر" وی در اداره کشور انتقاد نموده و نتیجهٔ پیروزی احمدی نژاد را چنین پیش بینی کرده بود "اندوختهٔ سالیان دراز رنج و کوشش و سرمایه گذاری مادی و

معنوی مردم به تاراج بیگانگان و تروریست‌هایی از سنخ القاعده" می رود. احمد قابل همچنین خطاب به خامنه ای –مستندا- مواضع و عملکردهای قبل و اوایل انقلابش را یادآور شد و پیرامون دوران زمامداری وی نوشت "در دوران رهبری شما ستم دستگاههای قضائی، شبه قضائی و اطلاعاتی - امنیتی بیش از گذشته فزونی گرفته و قانون شکنی و قانون گریزی در آنها به یک روند تبدیل شده و مخالفان سیاست‌های شما، شدیدا سرکوب و با محرومیت‌های مختلف مواجه بوده‌اند." وی مصادیق بارز عملکرد رهبری پیرامون قتل های زنجیره ای، ترورهای مخالفان سیاسی و اعتقادی، برخوردهای نامشروع و غیرقانونی با علما و مراجع منتقد، تعطیلی فلّه ای مطبوعات، بستن دست و پای دولتین آقای خاتمی و مجلس ششم و ... را برشمرده و به نقد کشید. او با بیان اینکه "اکنون موجودیت حکومت با خطر مواجه شده و کوره راهی برای ماندن باقی مانده است که شما را به پیمودن آن دعوت می‌کنم"، راه حلهایی از جمله "اعلام عفو عمومی در مورد تمامی سوابق سیاسی و امنیتی ایرانیان داخل و خارج و آزادی زندانیان، جدا کردن اعتبار و موجودیت نظام از اعتبار شورای نگهبان و مسئولان متخلّف، اعلام کتبی تضمین اجرای برنامه‌های رئیس جمهور منتخب و قبول نظارت سازمان ملل و کنفرانس اسلامی بر انتخابات کشور" را به خامنه ای پیشنهاد کرد. احمدقابل خطاب به رهبری هشدار داد "گمان نمی‌کنم در دیدگاه شما ماندن نظام و بقای عزتمندانه، بدتر از سناریوی جایگزین، یعنی حذف نظام جمهوری اسلامی و سرنوشتی مشابه میلوشوویچ ،ملاعمر و صدام حسین برای رهبری باشد." قابل همچنین خاطرنشان کرد "روحانیت بدون دانش مدیریت، مدعی حکومت شد و ولایت مطلقه را طلب نمود".

این پژوهشگر دینی در نامه ای دیگر۱۷ خطاب به رهبر جمهوری اسلامی در بهار ۱۳۸۷ که اعتراضی به صدور حکم دادگاه ویژه روحانیت در مورد برادر فرهیخته ایشان (هادی قابل)* بود، خاطرنشان کرد "من به عنوان یک شهروند ایرانی ، رهبری و باند حاکم بر کشور را به براندازی سخت نظام جمهوری اسلامی از طریق ظلم های آشکار به مخالفان سیاست های باند حاکم ، اقدامات فراوان و گسترده علیه امنیت ملی، اهانت به ملت و خصوصا فرهیختگان ملت، نشر مکرر و گسترده اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و نقض شدید حرمت روحانیت متهم می کنم و روزی را انتظار می کشم که در جمهوری اسلامی، امکان رسیدگی عادلانه به این اتهامات از طریق دادگاهی علنی و با حضور هیأت منصفه و قاضی یا قضاتی بیطرف، وجود داشته باشد ." احمد قابل در نامه تظلم و سرگشادهٔ دیگری۱۸در بهمن ۸۷ به آیت الله خامنه ای، وی را شریک ظلم و ستم‌های وارده به مخالفان و منتقدان سیاسی معرفی کرد و از پافشاری رهبر بر "سیاست‌های غلط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی" به شدت انتقاد و خاطرنشان کرد "تاکید رهبری بر این سیاست‌ها، بیش از فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، به ملت و کشور صدمه زده است." وی پیرامون قدرت یابی مجدد احمدی نژاد نیز در آن نامه هشدار داد " باند حاکم بر کشور، همچنان نسبت به سکوت اکثریت ملت در برابر قانون‌شکنی ها و ستمگری‌های حاکمیت امیدوار بوده و دیر زمانی است که برای آن حساب ویژه‌ای بازکرده است. آنان از عدم مطالبه حقوق از سوی آحاد ملت، بهره‌های هنگفتی برده و قدرت مافیایی خود را در سراسر کشور گسترش داده‌اند و اکنون نیز در آستانه انتخاب رئیس جمهور به نمایشی غیر واقعی از حضور ملت می‌اندیشند، تا از سبد افرادی که آنان گزینش می‌کنند، کسی را بر مسند نشانند که هیچگونه تعرضی به قانون‌شکنی آنان نداشته باشد و راه را بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شکست خورده رهبری کشور نبندد ".

اگر امروز آیت الله خامنه ای و حامیان وی، جنبش سبز و مخالفان را به براندازی نرم متهم می سازند، احمد قابل در نامه خود صراحتا رهبری و حامیانش را به "براندازی سخت" نظام از راهکار "ظلم های آشکار به مخالفان" متهم کرده بود. این محقق کشور، اکنون در زندان و وضعیتی بلاتکلیف به سر می برد...

گول این حرفها و تظاهراتی که برایتان راه می‌اندازند را نخورید

دکتر محمد ملکی، از فعالان ملی- مذهبی و اولین رئیس دانشگاه تهران بعد از انقلاب که مواضع صریحش پیرامون انقلاب فرهنگی و نابسامانی های کشور معروف بوده و طی سالهای گذشته نیز بارها مورد احضار و بازداشت قرار گرفته، روز شنبه ۳۱ مرداد امسال و بعد از کودتای انتخاباتی بازداشت شده و اینک ماههاست در محبس به سر می برد. دکتر ملکی در نامه ای سرگشاده۱۹ خطاب به آیت الله خامنه ای در اردیبهشت ۱۳۸۷و بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد تعطیلی دانشگاههای کشور، سیاست ها و عملکرد رهبری و همچنین وضعیت موجود کشور را مورد انتقاد جدی قرار داد و خطاب به وی گوشزد کرد "در برابر فساد بی‌حد، اعتیاد، خرافات، تن‌فروشی دختران، کارتن‌خوابی، چپاول و دزدی و رشوه‌خواری، ثروتهای کلان بادآورده، اختلافِ وحشتناکِ طبقاتی که آمار آنها از سوی مقاماتِ حکومتی منتشر می‌گردد، چه کسی مسئول است؟ این چه عدالت و برابری است که اگر دانشجویان، کارگران، معلمان، زنان و دیگر طبقاتِ دگراندیش، نقدی بر حاکمیت بزنند سروکار آنها با دادگاههای انقلاب و محرومیت از درس و کار و رفتن به زندان و هزاران بلای دیگر است." دکتر محمد ملکی همچنین به خامنه ای هشدار داد "نمیدانم آنچه در کشور می‌گذرد چگونه و تا چه اندازه به اطلاع شما می‌رسد امّا می‌دانم وضع بسیار بدتر از آن است که شما گاه‌گاه در فرمایشات خود به آنها اشاره می‌کنید. احتمالاً افرادِ بیت و دوستان و نزدیکان به شما می‌گویند که اکثریتِ قریب باتفاق مردم طرفدار رژیم هستند. گول این حرفها و تظاهراتی که صاحبان زر و زور و تزویر برایتان راه می‌اندازند را نخورید. بیایید برای نجات کشور، فرمان یک همه‌پرسی در مورد نظام ولائی را با تمام شرایط انتخابات آزاد و شفاف صادر فرمایید تا هر کس که شناسنامه ایرانی دارد بتواند در آن شرکت کند و حکومتِ دلخواه خود را بار دیگر پس از گذشت ۳۰ سال همانگونه که در ۱۲ اردیبهشتِ سال ۵۸ شد انتخاب نماید تا معلوم شود چند درصد مردم طرفدار نظام هستند."

دکتر ملکی با ۷۶ سال سن و کهولت و بیماری های متعدد، بعد از پنج ماه کماکان در بازداشت و بلاتکلیفی به سر می برد...

سابقا برای دشمن خط و نشان می کشیدیم و امروز برای مردم خودمان

محمد نوری‌زاد، نویسندهٔ سالهای نه چندان دور روزنامه کیهان، فیلمساز و به‌خصوص مستندساز حامی نظام و مجری سالهای دور برنامه های جهاد سازندگی و روایت فتح که چند سال اخیر نیز به تألیف کتاب، نقد آثار ادبی، نگارش فیلمنامه و تولید آثار داستانی روی آورده بود، پس از کودتای انتخاباتی و بویژه پس از خطبه های نماز جمعه ۲۹ خرداد آیت الله علی خامنه ای، نامه ای سرگشاده۲۰ خطاب به وی نوشت که یکی از سندهای تاریخی جمهوری اسلامی خواهد ماند. نوری زاد ابتدائا خطاب به ولیّ فقیه یادآور می سازد که طی دو دهه اخیر"با اشاره و تایید و نصب جنابعالی، شیفتگان و سربازان و اطرافیان و ماموران شما برمنصب های فراوان کشور قرار گرفتند... از شورای نگهبان تا قوه قضاییه. از فرماندهان سپاه تا فرماندهان ارتش. از امامان جمعه تا مجمع تشخیص مصلحت. از شورای انقلاب فرهنگی تا صداو سیما. هیچ منصب کلیدی نبود که منتصبین شما در آن حضور نداشته باشند. حتی نمایندگان مجلس خبرگان که به صورت ظاهر از جانب مردم انتخاب می شوند، پیشاپیش از فیلتر شورای نگهبان شما گذر می کردند..."

وی سپس خاطرنشان کرد در طول سالیان دراز، ما هرگز لذت یک روزنامه مستقل و صدا و سیمای مردمی را نچشیدیم..."

نوری زاد پیرامون خطبه های نماز جمعه رهبری به وی خاطرنشان کرد "سابقا ما برای دشمن خط و نشان می کشیدیم، حالا

کارمان بجایی رسیده است که باید برای بخشی از مردم خودمان خط و نشان بکشیم. این روند کار را بجایی می رساند که در فردای این نظام، جز دشمن، مردمی در کار نباشد..." وی آیت الله خامنه ای را دعوت کرد تا شاهد باشد "مسئولینی را که به راحتی نوشیدن یک شربت گوارا دروغ می گویند" و کشوری که به "دام روسیه و چین" افتاده است. او همچنین پیرامون سخنان احمد علم الهدی امام جمعه مشهد که بعد از انتخابات گفته بود "نخبگانی که وارد سیاست می شوند اگر ولایت پذیر نباشند ولایت ستیزند و ولایت ستیز یعنی ابن ملجم"، نوشت "چرا و به چه دلیلی یک رییس جمهور قبل از انتخابات برای یک امام جمعه، یک میلیارد تومان پول می فرستد؟ این در کجای عدل علی است؟" نوری زاد در انتها از خامنه ای تقاضا کرد که از مردم عذرخواهی نماید که "اگر این نشود و کار به تنگناهای انتظامی بکشد، ما رفته رفته این باقیمانده مردم را نیز از دست خواهیم داد و شما نیک تر از همه ما می دانید: نظامی که مردم نداشته باشد، چه دارد؟"
نوری زاد اکنون در بازداشتگاه و در وضعیت بسیار وخیمی به سر می برد...

مگر این مملکت فقط متعلق به اقای خامنه ای و یک اقلیت پیرو اوست؟

مهندس حشمت الله طبرزدی، از اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت و از دانشجویان سابقا اصولگرا که «مجلهٔ پیام دانشجو» خود را در سال ۱۳۷۴ با تیتر "امام خامنه ای" منتشر کرد و بعد از مدتی به جبهه معترضین ملحق شد، بارها بدلیل فعالیت سیاسی و روزنامه نگاری بازداشت و مجروح و زندانی گردیده است. وی که ماه پیش–در جریان سرکوب های بعد از عاشورا- بازداشت شد، در اسفندماه سال گذشته نامه ای سرگشاده۲۱ خطاب به آیت الله علی خامنه ای نوشته بود و با مقدمه ای پیرامون آنچه بر وی گذشته خاطرنشان کرد "شما رهبر جمهوری اسلامی هستید و من نیز از مخالفان شناخته شده هستم که در ۱۵ سال اخیر هر نوع زندان و شکنجه سفید و ضرب وشتم و محرومیت را تحمل کرده، اما به هر حال پذیرفته ام که برای رسیدن به آزادی و دموکراسی می بایست هزینه پرداخت کرد و این طبیعت هر رژیم سرکوبگر و ایدئولوژیک است که مخالفین خود را سرکوب کند." طبرزدی از اینکه گروهی از ماموران برای همسر وی ایجاد مزاحمت کرده و آسایش و حریم خصوصی زندگی آنها را مورد تجاوز قرار داده اند، ابراز نگرانی نموده و خاطرنشان کرد "امروز دستگاه اطلاعات آقای احمدی نژاد به همسر و حریم خانوادگی من حمله ور شده و هر آینه این امکان هست که مرا به عکس العمل وا دارند.این بازی خطرناک را دستگاه امنیتی ولی فقیه شروع کرده و مسئولیت آن نیز با شخص رهبر خواهد بود." وی بی پرده به رهبری گوشزد کرد "جناب اقای خامنه ای!شما با زور سپاه و دستگاه های امنیتی همه مخالفین را از میدان خارج کرده و حتا یاران دیروز یعنی آقایان رفسنجانی و خاتمی را نیز از دست داده اید، اگر چه آنها بنا به مصلحت و به صورت علنی حرفی نمی زنند. شما به خوبی می دانید که اکثریت قاطع مردم ایران از حکومت شما ناراضی هستند اما نیروهای امنیتی آنها را سرکوب می کنند.به خوبی می دانید که دولت احمدی نژاد حتا دربین اصولگرایان محافظه کار نیز طرفداری ندارد،اما از ترس شما یا از روی مصلحت سخنی نمی گویند..."
طبرزدی اکنون در سلول انفرادی زمان و جنبش را نظاره می کند...

هنوز مشخص نیست سرنوشت کسانی که جرات داشته، جسارت به خرج داده و دلیرانه معضلات کشور را سرگشاده به رهبر جمهوری اسلامی گوشزد کرده یا می کنند، چه خواهد شد...